

عنوان مقاله:

مفهوم دیگری و دیگرستیزی و دیگرپذیری در مثنوی مولانا

محل انتشار:

فصلنامه عرفان اسلامی، دوره 16، شماره 61 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 0

نویسندگان:

محمد ذاکری - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، ایران.

حشمت الله آذرمان - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، ایران.

نجمه دری - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

عبدالله فروزان فر - استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه هرمزگان، ایران.

خلاصه مقاله:

«دیگری» از مفاهیم فلسفی ای است که از قرن بیستم در آثار فیلسوفانی چون هایدگر، سارتر و بوبر و لویناس مطرح شده است. اگر چه در فلسفه اسلامی مفهوم «دیگری» به صورت یک مساله مطرح نشده است اما در ادبیات فارسی به شکل های مختلفی چون اقلیت های دینی، قومی و زبانی به این پدیده پرداخته شده است. نگاه مولانا در کتاب مثنوی معنوی اش به مساله دیگری به دو گونه است که هر دو نگاه، برخاسته از ویژگی های شخصیتی و فکری خود او و ضرورت های فضای فرهنگی عصر زندگی شاعر است. در نگاه اول مولانا در قامت یک فقیه مدرسه ای وامدار بر ساخته های پیشین درباره دیگری های مطرح در جامعه زمان خویش است و داوری هایی را روایت می کند که خود هیچ نقشی در تولید آن نداشته است و رنگی از ستیز با دیگری در قالب تحقیر، طرد و نفی را به همراه دارد. در نگاه دوم اما، دنیای مولانا بسیار متفاوت بوده و اندیشه خود وی و تجربیات شخص اش، شکل دهنده و تعریف کننده مفهوم دیگری است. اگر در نگاه اول، شاعر روایتگر اندیشه های دیگران است در نگاه دوم، خود دست به تولید معرفت می زند و در این افق جدید با کمک بن مایه های اندیشه عرفانی، بسیاری از بر ساخته های مرسوم پیشین را بر نتافته و تکرار نمی کند و با نگاهی انسانی و عرفانی، هستی و انسان را روایت می کند و از این رهگذر مفهوم «دیگری» نیز از تعاریف سابق خود دور و بازتعریف می شود.

کلمات کلیدی:

مولانا، دیگری، دیگر ستیزی، دیگر پذیری، عرفان، ادبیات تعلیمی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1311387>

